

# تصویر حدود هفتاد سال پیش افغانستان و شهر کابل

قسمت هفتم و اخیر

تهیه و ترتیب: خلیل



تصویری از حدود دو صد سال پیش کابل قدیم. به گفته جناب فرهاد دریا: یاد او غایت ها بخیر!؟



این قصر به جرم پدک کشیدن پسوند «امان» صدمات زیادی دید: از عدم حفظ و مراقبت و آب یاری نهال هایش گرفته، تا تغییر نامش به دارالفنون که با موفقیت قرین نبود. باز در دهه 40 خورشیدی به خاطر اختلاس در کار ساختمان بند نغلو، که دفاتر وزارت مربوطه در همین قصر بودند، بخاطر نابودی اسناد بند نغلو و یا یک تیر و دوقاخته برای از بین بردن آن اسناد و خود قصر، آن را حریق کردند. بعد از بازسازی در سالهای موجودیت قوای شوروی، وزارت دفاع افغانستان و سر فرماندهی نیروهای شوروی در همین قصر مستقر بودند. اما این قصر با شکوه با وجود دیدن یگان صدمه در کودتای تنی، تا 1370 ش چنین وضعیتی داشت.

سال 17، شماره (248)، چهارشنبه (15) جوزا- 1325 ه.ش.، 5 جون 1946 ع، شماره مسلسل (4443):

از طرف کمیته کفالتی نیابت السلطنه بغداد و جلالتمآب مارشال چیانک کائی شیک رئیس جمهور چین بحضور ذات شاهانه نسبت به جشن استقلال افغانستان تلگرامات تیریکیه مخابره شده است.

نوت: حکومت افغانستان در طول سلطنت ظاهر شاه روز 6 جوزا را به عنوان روز استقلال افغانستان تجلیل میکرد. در حالیکه گفته می شد این روز مصادف به خروج شاه امان الله از کشور بوده است.

تا به پیروزی انقلاب هنوز سه سال دیگر فاصله بود. امروز چین با وجود داشتن نفوس خیلی زیاد به قدرت اقتصادی دوم دنیا مبدل شده است. فاعتبرو یا اولی الابصار.

توجه کنید به این خیر:

الطاف و مرحام ذات شاهانه در باره مردم هزاره جات، شرفیابی بزرگان هزاره

بحضور اعلیحضرت معظم همایونی و معرفی دو نفر مجرمین و استدعای مجازات ایشان

- عفو و گذشت ملوکانه نسبت به مجرمین موصوف

قارئین محترم خبر دارند که سه ماه قبل دو سه نفر را اهالی شهرستان هزاره جات بواسطه نادانی و جهالت، خود را از حکومت کناره کرده و با یک جمعیت بنای شرارت را داشتند. وقتی که این اطلاع به مرکز رسید، حضور اعلیحضرت همایونی نظر به عواطفیکه به ملت شاهانه خویش دارند، به و.ج. محمد اسمعیل خان والی کابل امر نمودند تا این مسئله را بفهم قومی هزاره جات گذاشته از نقطه نظر قومی حل و فصل نمایند. چنانچه والی کابل با جمعی اقوام هزاره جات به دایزنگی رفته و متفقاً از این اقدام از این اقدام جاهلانه آنها متاثر و وعده قطعی دادند که آنها را حاضر و بدامان عفو حکومت متبوعه خویش می سپارند و از طرف دیگر به رهنمائی ع، ص عبد الله خان رئیس تفتیش وزارت داخله اهالی جاغوری که احساسات نیک بحکومت متبوعه خود دارند و حکومت اعلیحضرت آن ها را از جمله رعایای صادق خود میدانند، مطابق نظریه حکومت، کلانهای خود را در بین جمعیت موصوف فرستاده و به آنها نصایح لازمه نمودند و کلانهای هزاره جان آن جاهلان را به اتفاق والی ولایت بمرکز حاضر نمودند.

از قراری که نماینده باختر معلوم نموده دیروز 14 جوزا معاریف هزاره جات برهنمائی و معرفی والا حضرت سپه سالار غازی صدر اعظم در قصر دلکشا بحضور ذات ملوکانه پادشاه محبوب و مهربان ما مشرف شده، و در میان این جمعیت دو نفر اسلم و ابراهیم را که در حقیقت بانی شرارت بودند، نیز حاضر کرده بودند.

در این موقع والا حضرت سپه سالار غازی صدر اعظم بحضور ذات شاهانه بعرض رسانیدند:

اعلیحضرتا!

اینک وکلا و میران (شاید مشران) قوم هزاره دو نفر جاهلان خود را که بانی فساد و بدبختی گردیده بودند، بدست خود آورده و بحضور ذات شاهانه می سپارند، و حاضرند که ذات شاهانه در باره شان به سخت ترین سزا و عقوبت امر دهند تا خود اقوام در همین محضر عام بالای مجرمین خود اجرا نمایند.

ذات شاهانه در جواب فرمودند:

در اول امر هم که راپور این قضیه بحضورم رسید، نخواستم که با اقدامات عسکری تآسی جسته شود. زیرا، هزاره یکی از اقوام بزرگ و از خدمتگاران صمیمی این آب و خاک بوده و در تاریخ دور و نزدیک افغانستان خدمت شایان تقدیر و تمجید نموده اند، و اکنون هم که وکلای این قوم دو نفر بد بخت گمراه را بحضورم آورده و طالب سخت ترین مجازات می شوند،

من باز خدمت این قوم را مد نظر گرفته و به پس همان خدمات و صمیمیتی که این قوم بوطن عزیز خود دارند، ایشان را عفو فرموده و از تقصیرات کاملاً می گذرم.

والاحضرت صدر اعظم مجدداً عرض کردند:

من با شمول طوایف هزاره از الطاف کریمانه و رحم و شفقت ذات شاهانه تشکر و امتنان نموده و به تائید ارشادات همایونی عرض میدارم که واقعاً اقوام هزاره به هر شعبه خدمت کرده اند و در عرصه 16 سال که وزارت حربیه افغانستان بزمه من بود، حصه زیاد عساکر شاهانه را اقوام هزاره تشکیل میدادند و در قضایائی که درین طول مدت پیش می آمد ایشان به کمال دلیری و صداقت به اوامر حکومت متبوعه خود جان فشانی می نمودند. اکنون که حضور همایونی از خدمات ایشان یاد و از مجرمین شان جان بخشی فرمودند، گویا مجدداً یک احسان بزرگ بالای این قوم گذاشتند. بعد یکی از حاضرین به وکالت دیگران عرض نمود که: ما قوم از حضور ذات شاهانه تمنا می کنیم که این دو نفر بد بخت شقی را به سخت ترین عقوبت مجازات فرمایند. زیرا، باعث خجالت ما قوم همین ها شده و بدامان چنین یک قوم صادق لکه بد نامی را وارد ساختند.

ذات همایونیا کمال الطاف فرمودند: دامان قوم هزاره را کسی لکه دار ساخته نمی تواند، و دو نفر و صد ها مثل آن به مقابل جان فشانی های هزاره جات اهمیت ندارد، و این یک حرکت جاهلانه که تصادفاً بوقوع آمد آنهم در اثر کدام غلط فهمی شده خواهد بود. ورنه من اطمینان دارم که انشا الله صدراعظم افغانستان بعد از این ابداً بمن نخواهد گفت که قوم هزاره کدام شکوه و شکایتی دارد. زیرا، مقام سلطنت مثل خانه تمام اقوام افغانستان است، و من که در این خانه نشسته ام برای آن است که هرکس نزد من آمده شکوه ها و درد دل خود را برایم صاف بگوید تا در رفع آن کوشیده شود. اگر کسی به نزد من عرض خود را نرساند، و به وسواس خاطر و اندیشه نا روا بیفتد، البته خود مقصر خواهد بود....

سال 18، شماره (7)، پنجشنبه 23 اسد 1325 ه.ش.، مطابق 17 رمضان 1365 ه.ق.، 5 اگست 1946 ع، شماره مسلسل (4498):

یاد داشت:

بدرخواست افغانستان راجع به دخول در یونو هیچ مخالفتی به عمل نیامد. البته از تفصیل صرف نظر شد.

سال 18، شماره (8)، شنبه 25 اسد- 1325 ه.ش.، شماره مسلسل (4499):

وفات سردار عنایت الله خان معین السلطنه سابق.

سال 18، شماره (12)، چهار شنبه 29 اسد- 1325 ه.ش.، شماره مسلسل (4503):

آغاز قیر ریزی جاده های کابل

کابل: قبلاً از منظوری پلان پنجساله ریاست بلدیة کابل برای قیر ریزی جاده های شهر خبر داده بودیم. طوریکه تازه اطلاع گرفته ایم، کار قیر ریزی قسمت امسال از جاده شاهی و اندرابی شروع گردیده است.

سال 18، شماره (13)، پنجشنبه 30 اسد- 1325 ه.ش.، شماره مسلسل (4504):

رئیس جدید شورای ملی

کابل: از قراریکه خبر رسیده است، ع. ج. سلطان احمد خان وزیر صحنه برای اینکه خودرا کاندید وکالت شورای ملی قرار دهند، از عهده وزارت خود استعفا و استعفاى شان از حضور مبارک شاهانه منظور شده بود.

اکنون معلوم شده است که شاغلی موصوف از طرف اهالی کابل بحیث وکیل شورای ملی انتخاب و سپس از طرف نمایندگان شورا بحیث رئیس هم انتخاب شده اند.

نوت: این شاید همان انتخابات و سر آغاز پروسه ای باشد که بانی آن والا حضرت غازی شمرده می شدند، و در تاریخ افغانستان به نام دموکراسی اول ثبت شده است. و عاقبت در اثر حوادث اول حمل 1329 حکومت از آن صرف نظر کرد.

آن که بجای خودش، حتی همین اکنون نیز در حکومت به اصطلاح «دموکراتیک» برآمده از قانون اساسی نیز چنین انتصاب هائی دیده شده است. مشت نمونه خروار: بعد از ایجاد شورای ملی، تا مدت مدیدی جناب حضرت صاحب به صفت رئیس مشرانو جرگه ایفای وظیفه میکردند و در اوقاتی که از امور «استخاره فارغ می بودند» سری هم به مجلس مشرانو جرگه میزدند. تا زمانیکه جناب شان در این سمت قرار داشتند، عدالت بکلی تأمین بوده و «اب در دل ماهی حرکت نمیکرد». اما من دقیقاً تعقیب کرده نه توانستم که آیا جناب حضرت صاحب از سناتوری و پست ریاست استعفا کردند و یا چطور؟ اما هرچه بود، جناب جلالتماب کرزی یکی و یک بار آقای مسلمیار را بالا کشیده و بعد از انتصاب به مشرانو جرگه به صفت رئیس آن نیز نصب کردند. ولی جناب حضرت صاحب نه مخالفتی کردند و نه استخاره ای؟! و یا من ملتفت نه شدم.

بعد که موضوع انتخابات بی بدیل یک ساله پیش آمد، در همین گیر و دار های انتخاباتی که همه اذهان متوجه آن بود، آقای کرزی با وجودی که دوره سناتوری جناب مسلمیار ختم نه شده بود، ناگهان فرمان تمدید سناتوری جناب شان را صادر و موصوف را بار دیگر در مشرانو جرگه ابقا کردند. در این زمینه سوالات زیادی موجود است:

- آقای مسلمیار دارای درجه تحصیلی بکدام سویه اند؟
- پیش از انتصاب به صفت سناتور چه وظایفی داشتند؟
- چرا جناب مستطاب حضرت صاحب هیچ اصراری بر دوام کاری خویش نکردند، و گویی مانند آخرین روز های آقای کرزی به خلاصگر محتاج بودند؟
- همه آنها به یک طرف:

قرار گزارش رسانه ها، روز شنبه مورخ 26 میزان 1393 حدود سه صد نفر اهالی شهر جلال آباد علیه رئیس مهاجرین آن ولایت بخاطر توزیع غیر عادلانه زمین های دشت چمتله (غیر از چمتلهء کابل/ واقع در ننگرهار) برای مهاجرین مظاهر کردند. رئیس مهاجرین دشت چمتله (کسی که خودش را به صدای امریکا با همین عنوان معرفی کرد) به صدای امریکا گفت که رئیس مهاجرین که از خویشاوندان (اوخی) آقای مسلمیار است، حدود 720 نمره زمین را با استفاده از تذکره ها و اسناد جعلی ثبت و به اشخاص فروخته است. آنها چوک پشتونستان جلال آباد را برای یک ساعت بروی عراده جات مسدود کرده بودند. والله يعلم بالحقایق الامور.

داشته های کلکسیون روزنامه «اصلاح» من همین قدر بود. با تشکر

-----ختم-----



دو منظره از دور نمای قصر دارالامان



در اثر جنگ های کابل اگر قصر چهل ستون از تهداب تخریب شد، قصر دارالامان به این روز بد دچار شد. چند نمودی از خرابه های قصر را ضمیمه کردم . ارزو مندم طرح نو اندیش صاحب در مورد ترمیم این قصر تاریخی به ثمر نشیند.